

# هو الله - ای احبای الهی، جناب میرزا لیب زائر چون...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (133) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء،  
جلد 3، صفحه 334

( 133 )

قزوین - احبای الهی عموماً و اماء الرحمن همدان - احبای الهی و اماء الرحمن رشت - احبای الهی لاهیجان -  
احبای الهی کرمان - احبای الهی انزلی - احبای الهی طهران - احبای الهی علیهم و علیهن بهاء الله الابهی

## هو الله

ای احبای الهی جناب میرزا لیب زائر چون بعتبه مقدسه وارد و زیارت مطاف ملأ اعلی فائز گردید سر  
بآستان الهی گذاشت و از برای کل طلب تأیید و توفیق نمود چون قصد مراجعت کرد خواست از برای هر یکی  
از احبای الهی و اماء رحمان در قزوین و طهران و رشت و همدان و انزلی و کرمان و لاهیجان مکتوب  
مخصوصی مرقوم گردد و این نظر بجهت مخصوصی است که باحبا دارد چنین آرزو نمود و لکن عبد البهاء غرق  
دریا باید بعموم شرق و غرب در امور مهمه مخبره نماید و بتمشیت جمیع کارها در جزئی و کلی پردازد هر جزئی  
از عبدالبهاء اگر بهزار جزء منقسم شود از عهده بر نیاید و انواع عوارض عارض گردد عبدالبهاء پیش از اینکه  
نأثره جنگ برافروزد بعلل و امراض عدیده مبتلا و سبب کثرت مشاغل بی پایان و اذیت و صدمات از داخل



ORIGINAL

و خارج ولی چون در ایام جنگ طرق و وسائط مخیره منقطع راحتی حاصل شد با وجود خوف و خطر شدید عبدالبهاء از مشاغل راحت گردید لهذا جمیع امراض و علل زائل شد اگر چنین نمیشد تا بحال از شدت امراض بکرات و مرآت صعود نموده بود این یکی از حکمت‌های بالغه این جنگ و حال اگر دوباره باین مشقات عظیمه و مشاغل بی پایان پردازد در اندک زمانی جمیع آن عوارض عود کند و البته یاران الهی را عبدالبهاء بهتر از اوراق است البته توقع مکاتبه فردا ندارند بجان و وجدان مستمرا بدون انقطاع با یاران مخیره معنوی مینماید و گفتگوی روحانی میکند آئینه چون صافی گردد این نجومی که در بعد ابعدن در آئینه حاضر و ظاهر و آشکار گردند یعنی هزاران هزاران فرسنگ بین مرآت و نجم حائل نشود و این بفضل و عنایت جمال قدم است

باری الحمد لله در شرق و غرب روائع مشک جان منتشر و در جنوب و شمال آهنگ یا بهاء الابهی مرتفع بهار روحانیست و ربیع رحمانی صحرا و دشت گلگشت است و براری و کهسار گلشن و گلزار ابر رحمت گریان و چمن و دمن خندان درختان بزرگ و شکوفه مزین و خرم و بلبل زار در گلشن راز با جمال گل همدم و همراز و مرغان چمن باهنگ ملاً اعلی در ترانه و آواز نفعه الهی روح جدید میدمد صلاهی ربانی بصر حدید میبخشد فیض معنوی قوت شدید میدهد شمس حقیقت در غیاب سحاب کائنات را بحرکت شوقی میپرورد با وجود این فیوضات عظیمه و آن تجلیات غیبیه و این ابتهاج بمکاتبه عبدالبهاء احتیاج نماند پس بجان و دل بکوشید که علم خدمت برافزاید و با اهل ملکوت ابهی دمساز شوید من در هر دم بساحت اقدس تضرع و زاری نمایم و لابه و بیقراری کنم و هر یک از شماها را مدد نامتناهی طلبم فیض آسمانی خواهم عزت ابدیه جویم نفعه رحمانیه طلبم قوت ملکوتیه خواهم تجلیات لاهوتیه جویم تا توفیق چه کند و تأیید چه نماید و علیکم البهاء الابهی حیفاً

۱۴ صفر سنه ۱۳۳۸ (ع ۶)